**زندگی­نامه امام صادق (ع)**

**تولد:**
تولد امام‌ در روز دوشنبه‌ هفدهم‌ ربیع‌­الاول‌ سال‌ هشتاد وسه ‌هجری‌ در مدینه‌ واقع‌ شد. مادرش‌ اُم‌ّ­فروه‌ وپدرش‌ امام‌ باقر بوده‌است‌. نام‌ مبارکش‌، جعفر والقابش‌، صادق‌، صابر، فاضل‌ و طاهر بوده‌ وکنیه‌ اش‌ ابوعبدالله است‌. در سن‌ سی‌ ودوسالگی‌ به‌ مقام‌ امامت‌ رسید وسی‌ وسه‌سال‌ مقام‌ امامت‌ را به‌ عهده‌ داشت‌. عاقبت‌ در سن‌ شصت‌ و پنج‌ سالگی، ‌به دست‌ منصور دوانقی‌ به شهادت‌ رسید. مرقد شریفش‌ در قبرستان‌ بقیع‌است‌. مذهب‌ شیعیان‌ ومذهب‌ اهل‌ بیت‌(علیهم السلام‌) به‌ نام‌ جعفری‌ مزیّن‌ شده‌ است‌ زیرا آن‌ حضرت‌ از فرصت­ها استفاده‌ کرد وعلم‌ اهل‌ بیت‌(علیهم السلام‌‌) را که‌ از زمان ‌رحلت‌ پیامبر، مورد ظلم‌ قرار گرفته‌ بود، منتشر کرد و شاگردان‌ زیادی ‌تربیت‌ نمود و درمحضرش‌ چهارهزار نفر حاضر می‌ شدند.

**عبادت‌ ومکارم‌ اخلاق‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)**
مالک‌ بن‌ انس‌ گفت‌: حضرت‌ از سه‌ حال‌ بیرون‌ نبود.یا روزه‌ بود ویا مشغول‌ عبادت‌ بود ویابذکر خدا مشغول‌ بود.او از بزرگان‌ عابد واز عظیم‌ترین‌ زاهدان‌ بود. ابان‌ بن‌ تغلب‌گوید: خدمت‌ امام‌ درحالیکه‌ مشغول‌ نماز بود،رسیدم‌.ذکرهای‌ رکوع‌ وسجده‌اورا شمردم‌، از شصت‌ بار بیشتربود. «عبدالله بن‌ سنان‌ می‌ گوید: به‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) عرض کردم‌: پسرعموئی‌دارم‌ که‌ هرچه‌ با او می‌ پیوندم‌ او از من‌ می‌ بُرد! لذا من‌ تصمیم‌ گرفته‌ ام‌ که‌اگر از من‌ بُرید منهم‌ از او ببُرم‌.بمن‌ اجازه‌ می‌ فرمائید که‌ منهم‌ با او قطع‌رابطه‌ کنم‌؟ فرمود:اگر با او ارتباط‌ داشته‌ باشی‌ واو از تو ببُرد،خدای‌عزّوجل‌ شمارا باهم‌ می‌ پیوندد.واگر تو از او ببُری‌ واو هم‌ از تو ببُرد،خدااز هر دوی‌ شما ببُرد.» بحارج‌۷۴

**علم‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌)**
محقق‌ حلی‌ درکتاب‌ معتبر نوشته‌ است‌ که‌: از امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)در زمینه‌ علوم‌ آنقدر منتشر شده‌ است‌ که‌ عقلها به‌حیرت‌ می‌افتد. فقط‌ یک‌ نفر راوی‌ ازحضرت ‌، سی‌ هزار روایت‌ از امام‌نقل‌ کرده‌ است‌.همچنان‌ که‌ خود امام‌ فرمود: ابان‌ بن‌ تغلب‌ از من‌ سی‌هزار حدیث‌ نقل‌ کرده‌ است‌.
معلّی‌ بن‌ خنیس‌ می‌گوید: دیدم‌ که‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) با کیسه‌ای‌ بردوش‌ به‌ جائی‌ می‌رود.اجازه‌ گرفتم‌که‌ ایشان‌ را همراهی‌ کنم‌.با حضرت‌ به‌ محله‌ فقراء رفتیم‌ وامام‌ بربالای‌سرآنان‌ که‌ همگی‌ درخواب‌ بودند ، مقداری‌ غذا می‌گذاشت‌. من‌ پرسیدم‌که‌ اینها شیعه‌ هستند؟!  امام‌ فرمود: اگر شیعه‌ بودند که‌ ما هرچه‌ داشتیم‌حتی‌ نمکمان‌ را با آنها نصف‌ می‌نمودیم‌.«منتهی‌ الامال‌ ج‌۲ ص‌۲۴۴»

ابوجعفر خثعمی‌ گوید: امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)کیسه‌ای‌ پول‌ بمن‌ داد و فرمود: این‌ را به‌ فلان‌ سید بده‌ ولی‌ نگو چه‌ کسی‌ آن‌ را داده‌ است‌. من هم‌ آن‌ را به‌ شخصی که‌ امام‌ معرفی‌ کرده‌ بود دادم‌. اوگفت‌: خدا جزای‌ خیر به‌ کسی که‌ همیشه‌ به من‌ کمک‌ کند، بدهد ولی‌ جعفربن‌ محمد، حتی‌ یک‌ درهم‌ هم‌ به من‌ کمک‌ نمی‌کند! «منتهی‌ الامال‌ ج‌۲ص‌۲۴۴»
امام‌ ششم‌(علیه السلام‌‌):عده‌ای‌ به‌ محضر پیامبر آمدند وگفتند: ما عازم‌ مسافرت‌به‌ شام‌ هستیم‌. بما سخنی‌ بیاموز!حضرت‌ فرمود: شب‌ هنگام‌،هرکجابرای‌ استراحت‌ توقف‌ نمودید ، وقتی‌ به‌ بستر رفتید،قبل‌ ازخواب‌،تسبیح‌ فاطمه‌(علیها السلام‌‌) وآیة‌ الکرسی‌ را بخوانید که‌ شمارا از هر چیزی‌حفظ‌ می‌کند.
آنها رفتند وهنگام‌ خواب‌ دستور حضرت‌ را بکار بستند.در آن‌ حوالی‌راهزنانی‌ بودند که‌ این‌ عده‌ را زیر نظر گرفته‌ ومنتظر بودند که‌ شب‌ بشودوبه‌ اینها دستبرد بزنند.وقتی‌ شب‌ شد یکی‌ از راهزنان‌ برای‌ آگاهی‌ ازموقعیت‌ مسافرین‌، به‌ محل‌ استراحت‌ آنان‌ آمد ولی‌ غیر از دیوار بلندی‌که‌ دور تا دور آن‌ محل‌ را فرا گرفته‌ بود،چیزی‌ ندید!برگشت‌ واین‌ قضیه‌رابه‌ راهزنان‌ خبر داد.راهزنان‌ سخن‌ اورا قبول‌ نکرده‌ وگفتند:تو آدم‌ضعیفی‌ هستی‌ واز ترس‌ این‌ حرف‌ را می‌زنی‌! امّا وقتی‌ خود به‌ محل‌آمدند وآن‌ دیوار بلند را دیدند،بناچار برگشتند.
فردا صبح‌ باز به‌ آن‌ محل‌ رفتند وازدیوارخبری‌ نبود ومسافرین‌ آنجابودند.راهزنان‌ از مسافرین‌ پرسیدند:شما دیشب‌ کجابودید؟گفتند:همین‌ جا!راهزنان‌ گفتند:دیشب‌ ما آمدیم‌ ولی‌ جز دیواربلندی‌ چیزی‌ ندیدیم‌!قصة‌ شما چیست‌؟آنان‌ گفتند:پیامبر بما سفارش‌کرده‌ است‌ که‌ شب‌ قبل‌ از خواب‌، تسبیح‌ فاطمه‌(علیها السلام‌‌) وآیة‌ الکرسی‌ را بخوانیم‌ وماهم‌ همینکار را کردیم‌.راهزنان‌ گفتند:شما آزادید وبه‌ هرکجاکه‌ می‌خواهید بروید که‌ بخدا سوگند!ما هرگز شمارا تعقیب‌ نمی‌کنیم ‌و بدانید که‌ تازمانیکه‌ بدستور پیامبرتان‌ عمل‌ می‌کنید ، هیچ‌ راهزنی‌نمی‌تواند بشما آسیب‌ برساند!»ص۳۳۶
«روایت‌ شده‌ که‌ در وقت‌ سوار شدن‌ به‌ کشتی‌ این‌ دعا را بخوانند:بسم‌اللّه‌ المَلِک‌ الحق‌ّ وماقدروا اللّه‌ حق‌ّ قدره‌ والارض‌ جمیعاً قبضته‌ یوم‌القیلمة‌ والسماوات‌ مطویات‌ٌ بیمینه‌.سبحانه‌ وتعالی‌ عما یشرکون‌.بسم‌اللّه‌ مجراها ومُرساها.ان‌ّ ربّی‌ لغفورٌ رحیم‌ٌ.»
«عده‌ای‌ مهمان‌ِ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)شدند.حضرت‌ از آنها خوب‌ پذیرائی‌نمودوموقعی‌ که‌ می‌خواستند بروند،امام‌ برای‌ آنها توشه‌ سفر تهیه‌دید.ولی‌ وقت‌ خارج‌ شدن‌ آنها،به‌ غلامانش‌ فرمود:موقع‌ رفتن‌ در بردن‌ِ بارهایشان‌ کمک‌ نکنید! آنها در هنگام‌ خداحافظی‌ به‌ امام‌ گفتند:یا بن‌رسول‌ اللّه‌!تو خوب‌ از ماپذیرائی‌ نمودی‌ واموالی‌ بما بخشیدی‌ ! ولی‌ چرابه‌ غلامانت‌ دستور دادی‌ که‌ در بردن‌ بارها مارا کمک‌ نکنند؟امام ‌فرمود:ما خاندانی‌ هستیم‌ که‌ به‌ رفتن‌ مهمان‌ کمک‌ نمی‌کنیم‌.»
جسارت‌ به‌ مادر
ابامهزم‌ گوید:شبی‌ ازخدمت‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)مرخص‌ شدم‌ وبه‌ همراه‌ مادرم‌ به‌ خانه‌ام‌در مدینه‌ می‌رفتیم‌.در بین‌ راه‌ بامادرم‌ مشاجره‌ کردم‌ ومن‌ به‌ او تندی‌نمودم‌!
روزبعد وقتی‌ خدمت‌ امام‌ رفتم‌،امام‌ فرمود:ای‌ ابامهزم‌!بین‌ تو ومادرت‌چه‌ پیش‌ آمد؟آیا شب‌ گذشته‌ به‌ او تندی‌ نمودی‌؟آیا نمی‌دانی‌ که‌شکمش‌ محل‌ سکونت‌ تو ودامنش‌ محل‌ استراحت‌ تو وسینه‌اش‌ ظرف‌نوشیدنی‌ تو بوده‌ است‌؟
گفتم‌:آری‌!
فرمود: هیچگاه‌ براو تندی‌ نکن‌!«بحارج‌۴ص‌۷۲»
\*\*\*
«شخصی‌ خدمت‌ امام‌ ششم‌(علیه السلام‌‌)آمد واز درد وزخم‌ معده‌ شِکوه‌ کرد.امام‌فرمود:صبحانه‌ وشام‌ بخور! ولی‌ دربین‌ این‌ دو چیزی‌ نخور!که‌ خدا درتوصیف‌ غذاخوردن‌ اهل‌ بهشت‌ می‌فرماید: لهم‌ رزقهم‌ فیها بُکرة ‌ًوعشیّاً یعنی‌: صبح‌ وشام‌ به‌ رزق‌ الهی‌ مشغولند.»
زنده‌ شدن‌ پرندگان‌ ذبح‌ شده‌!
یونس‌ بن‌ ظبیان‌ می‌گوید:
باعدة‌ زیادی‌ در خدمت‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)بودیم‌ که‌ شخصی‌ سؤال‌ کرد:یابن‌ رسول‌ الله ! پرندگانیکه‌ در قرآن‌ آمده‌،در آن‌ جائیکه‌ خطاب‌ به‌ابراهیم‌(علیه السلام‌‌)فرموده‌ است‌:(«خُذ اربعة‌ً من‌ الطیر فصُرهن‌َّ الیک‌ ثم‌ّاجعل‌ علی‌’ کل‌ّ جبل‌ٍ منهن‌ّ جزءاً»یعنی‌: چهارپرنده‌ را ذبح‌ کرده‌وگوشتشان‌ را باهم‌ مخلوط‌ کرده‌ وهر قسمتی‌ را بر سرکوهی‌ بگذار!)
آیا از یک‌ نوع‌ بودند یا باهم‌ فرق‌ داشتند؟
امام‌ فرمود: می‌خواهید مثل‌ آن‌ معجزه‌ را بشما نشان‌ بدهم‌؟همه‌گفتیم‌:آری‌!
امام‌ دستورداد که‌ طاوس‌ وباز وکبوتر وکلاغی‌ را آوردند وآنها را ذبح‌کردند وباهم‌ مخلوط‌ کرده‌، در چهار طرف‌ اطاق‌ گذاشتند.سپس‌ امام‌ابتدا طاوس‌ را صدازدند! ناگاه‌ اجزایش‌ از چهارگوشه‌ جدا شده‌ وبهم ‌پیوستند وزنده‌ شد.سپس‌ کلاغ‌ ودوتای‌ دیگر را زنده‌ کرد.«حدیقة‌الشیعة‌»

**سخنانی‌ از امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)**
۱-«شاکر به‌ شخصی‌ گویند که‌ خدارا بر هرنعمتی‌ که‌ به‌ او داده‌ از قبیل‌خانواده‌ وثروت‌،شکر گوید وحقوق‌ الهی‌ نسبت‌ به‌ اموالش‌ را ادا نماید.»
۲-«خدا رحمت‌ کند شیعیان‌ مارا که‌ از زیادی‌ گِل‌ ما خلق‌ شدند وبا آب‌محبت‌ ما خمیر مایه‌ شده‌اند.در شادی‌ ما شاد ودر عزای‌ ما عزادارند.»
۳-«درهرنفس‌ کشیدنی‌ یک‌ شکر بلکه‌ هزارشکر وبیشترلازم‌ است‌وپائین‌ترین‌ درجة‌ شکر آنست‌ که‌ نعمت‌ را فقط‌ از خدا بداند وبه‌ آنچه‌خدابه‌ او داده‌ راضی‌ باشد وخدارا با نعمتش‌ معصیت‌ نکند(مثلاً باچشم‌گناه‌ نکند)ودرامر ونهی‌ الهی‌ با نعمت‌ خدا با خالق‌ خود مخالفت‌ننماید.پس‌ درهرحالی‌ بندة‌ شکرگذار خداباش‌، تاخدارا در هرحالی‌کریم‌ بیابی‌.»
۴-«مَثَل‌ دنیا مثل‌ آب‌ دریاست‌ که‌ هرچه‌ بیشتر از آن‌ می‌نوشید، بیشترتشنه‌ می‌شوید!»
۵-«هرگاه‌ یکی‌ از شما بیاد نعمتی‌ از نعمتهای‌ خداوند عزوجل‌ّافتاد،پیشانیش‌ رابرای‌ شکرگزاری‌،بر روی‌ خاک‌ بگذارد.واگر سواره‌بود،پیاده‌ شود وسجده‌ کند.واگر بخاطر انگشت‌ نماشدن‌ نمی‌تواند پیاده‌شود،پیشانیش‌ را برزین‌ اسب‌(درزمان‌ مافرمان‌ ماشین‌) بگذارد واگراینهم‌ نشد،پیشانیش‌ را برکف‌ دست‌ بگذارد وخدارا برنعمتهایش‌ شکرکند.»
۶-«عذاب‌ کسیکه‌ نطفه‌ اش‌ را در رحِم‌ِ زن‌ نامحرم‌ بریزد از همه‌ بیشتراست‌.»
۷-«فردی‌ مقداری‌ آب‌ می‌خورد وبا آن‌ بهشت‌ برایش‌ واجب‌می‌شود.زیرا موقع‌ نوشیدن‌ آب‌ وقتی‌ ظرف‌ آب‌ را نزدیک‌ دهانش‌می‌برد ، بسم‌ الله می‌گوید. سپس‌ مقداری‌ می‌خورد وحمدمی‌کند. دوباره‌ می‌ نوشد وحمد می‌کند . برای‌ بارسوم‌ مقداری‌ می‌نوشد وحمد الهی‌می‌کند.بوسیلة‌ این‌ یک‌ بسم‌ الله وسه‌ بار حمد ، بهشت‌ برا یش‌ واجب ‌می‌شود.»
۸-«ای‌ میسر! اگر می‌ خواهی‌ عمرت‌ زیاد شود به‌ پدر ومادرپیرت‌ نیکی‌کن‌.»
۹-«مراد از علمی‌ که‌ پیامبر فرمود که‌ طلب‌ آن‌ علم‌ برهر مرد و زنی‌واجب‌ است‌،علم‌ تقوی‌ ویقین‌ است‌.»وعلامه‌ مجلسی‌ در توضیح‌ علم‌تقوی‌ ویقین‌ می‌نویسد:مراد از علم‌ تقوی‌،علم‌ به‌ واجبات‌ ومحرمات‌وتکالیف‌ است‌ ومراد از علم‌ یقین‌،علم‌ به‌ اصول‌ دین‌ واعتقادات‌می‌باشد»
۱۰-«خدا می‌داند بنده‌اش‌ چه‌ می‌خواهد ولی‌ دوست‌ دارد که‌ حاجتهاگفته‌ شود.»
۱۱-«دعای‌ مخفی‌ معادل‌ هفتاد دعای‌ آشکار است‌»
۱۲-«خواندن‌ قرآن‌ از روی‌ مصحف‌ باعث‌ تخفیف‌ عذاب‌ پدر ومادراگرچه‌ کافرباشند، می‌شود»
۱۳-«صلة‌ رحم‌باعث‌ تأخیر اجل‌ وزیاد شدن‌ ثروت‌ وایجاد محبت‌ دربین‌ خانواده‌ می‌ شود»
۱۴-«زن‌ قابل‌ ارزش‌ گذاری‌ نیست‌! نه‌ خوبش‌ و نه‌ بدش‌. امّا زنهای‌خوب‌ ارزششان‌ طلا و نقره‌ نیست‌، بلکه‌ او از طلا و نقره‌ بالاتر است‌. وامّا زنهای‌ بد، ارزششان‌ خاک‌ هم‌ نیست‌! خاک‌ از او بهتر است‌.»
۱۵-«شخصی‌ از امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)پرسید:آشکار نمودن‌ نعمت‌ که‌ خدابدان‌ در آیه‌«وامّا بنعمت‌ ربّک‌ فحدّث‌»آمده‌ چیست‌؟ فرمود:لباس‌ تمیز بپوشد. بوی‌ خوش‌ استعمال‌ نماید.خانه‌اش‌ را سفیدکاری‌ کند.درب‌خانه‌اش‌ را جاروب‌ نماید.»
۱۶-«یکی‌ از عوامل‌ فشار قبر،اهمیت‌ ندادن‌ به‌ طهارت‌ ونجاست‌ است‌»
خبیث‌ترین‌ مخلوق‌ خدائ ، غنا است‌.وبدترین‌ مخلوق‌ خدا غنا است‌ که ‌باعث‌ فقر ونفاق‌ می‌شود.»
۱۷-«خانه‌ای‌ که‌ در آن‌غنا باشد،از فاجعه‌ ایمن‌ نمی‌باشد ودعا در این‌خانه‌ مستجاب‌ نمی‌شود وملائکه‌ به‌ این‌ خانه‌ وارد نمی‌گردند.»
۱۸-«فحش‌ دادن‌ ظلم‌ است‌ وظالم‌ در آتش‌ جهنم‌ است‌»
۱۹-«در عیب‌ رفیقت‌ تعجیل‌ نکن‌ شاید خدا اورا بیامرزد وبر عیبهای‌خود ایمن‌ نباش‌ شاید بخاطر آن‌ عذاب‌ شوی‌!»
۲۰-«امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)در تفسیر آیة‌«پیامبران‌ را به‌ ناحق‌ می‌کشند»فرمود:بخدا سوگند!پیامبران‌ را با شمشیر نکشتند،بلکه‌ اسرار آنان‌را فاش‌ کردند وآنهاکشته‌ شدند.»
۲۱-«اصل‌ حُسن‌ ظن‌ از حُسن‌ ایمان‌ وسالم‌ بودن‌ دل‌ است‌ که‌ هرکه‌ رامی‌بیند پاک‌ وخوب‌ می‌پندارد واحتمال‌ حیاء وامانت‌ وصیانت‌ وراستی‌به‌ او می‌دهد.»
۲۲-«خوردن‌ وآشامیدن‌ وپوشیدن‌ وازدواج‌ وسوار مرکب‌ شدن‌ اگر بامیانه‌ روی‌ باشد،حلال‌ والاّ حرام‌ است‌ چون‌ خدادر سوره‌ انعام‌آیه‌۱۴۱فرموده‌ است‌:اسراف‌ نکنید که‌ خدا مسرفین‌ را دوست‌ ندارد.»
هرساختمانی‌ که‌ بیش‌ از مقدار نیاز باشد،درآخرت‌ وبال‌ گردن‌ صاحبش‌می‌شود»
۲۳-«عده‌ای‌ از شیعیان‌ نزد امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) بودند که‌ امام‌ سه‌ بار سوگندخورد: بخدای‌ کعبه‌ سوگند! و فرمود: اگر بین‌ موسی‌(علیه السلام‌‌) و خضر(علیه السلام‌‌) بودم‌به‌ آنها می‌گفتم‌ که‌ من‌ از آنها عالم‌ترم‌. و به‌ آنهامطالبی‌ را که‌ نمی‌دانستند،می‌گفتم‌. زیرا به‌ موسی‌(علیه السلام‌‌) و خضر(علیه السلام‌)، علم‌ گذشته‌ داده‌ شد. ولی‌ علم‌آینده‌ تا قیامت‌ را نمی‌دانستند. ولی‌ ما این‌ علم‌ را از رسولخدا(صلی الله علیه واله‌) به‌ارث‌ برده‌ایم‌. »
۲۴-«اسحاق‌ بن‌ عمار از امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)راجع‌ به‌ مردیکه‌ لباسهای‌مختلفی‌ دارد وچندتای‌ از آنان‌ را برای‌ پوشاندن‌ بدن‌ خود وچندتا برای‌زینت‌ کردن‌ وشیک‌ شدن‌ قرار داده‌ آیا اسراف‌ است‌؟فرمود:خیراسراف‌نیست‌! زیرا خدا در قرآن‌ فرموده‌ است‌:هرکه‌ زندگیش‌ وسعت‌ داردباندازة‌ توانائیش‌ خرج‌ کند«طلاق‌۷»»
۲۵-«درخانه‌ای‌ که‌ طفلی‌ وجود دارد، با همسر خود مقاربت‌ نکنید،که‌آن‌ طفل‌ زناکار می‌شود و یا فرزندیکه‌ بدنیا می‌آید ، زناکار می‌شود.»
۲۶-«دزدها سه‌ دسته‌اند.اول‌ کسیکه‌ زکات‌ نمی‌دهد.دوم‌ کسیکه‌ مهرزنش‌ را نمی‌پردازد.سوم‌ کسیکه‌ قرض‌ کرده‌ ولی‌ قرضش‌ را نمی‌پردازد.»
۲۷-«اگر شخصی‌ چشمش‌ به‌ زنی‌ نامحرم‌ بیافتدواز اوچشم‌ بردارد وبه‌آسمان‌ نظر کند ویا چشم‌ خودرا ببندد، هنوز چشم‌ برهم‌ نزده‌ که‌ خداوندحورالعینی‌ به‌ او تزویج‌ کند.»
۲۸-«شخصی‌ به‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)گفت‌:من‌ دوست‌ دارم‌ بازنی‌ ازدواج‌کنم‌.ولی‌ پدرم‌ مایل‌ است‌،بازنی‌ دیگر ازدواج‌ کنم‌.حضرت‌ فرمود:با آنکه‌خود دوست‌ می‌داری‌ ازدواج‌ نما و آنکه‌ پدرت‌می‌خواهد را رها نما!»
۲۹-«چهار چیز از چهار چیز سیر نمی‌شوند:زمین‌ از باران‌،چشم‌ ازنگاه‌،زن‌ از مرد وعالم‌ از علم‌!»
۳۰-«اسحاق‌ بن‌ عمّار از امام‌ ششم‌(علیه السلام‌‌)پرسید:حق‌ّ زن‌ بر شوهر چیست‌؟
امام‌ فرمود: مرد باید شکم‌ همسرش‌ را سیر کند.بدنش‌ را بپوشاند.اگرنادانی‌ کرد از او بگذرد.ابراهیم‌ خلیل‌ از تند خوئی‌ ساره‌ به‌خداوند شکایت‌ کرد!خدا به‌ او وحی‌ کرد:زن‌ همانند استخوان‌ دنده‌است‌!اگر بخواهی‌ راستش‌ بکنی‌،می‌شکند واگر با او همچنان‌ مداراکنی‌،از او بهره‌مند می‌شوی‌!»

**فرزندان‌:**
۱-امام‌ موسی‌ کاظم‌(علیه السلام‌‌) ۲-اسماعیل‌ که‌ درزمان‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) رحلت‌کرد ولی‌ بعد از مرگش‌ عده‌ ای‌ معتقد شدند که‌ او نمرده‌ واو همان‌ امام‌عصر(علیه السلام‌‌) می‌ باشد.وفرقه‌ اسماعیلیه‌ را تشکیل‌ دادند.۳-عبدالله افطح‌ که‌ادعای‌ امامت‌ می‌ کرد ومی‌ گفت‌ بعد از امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)او امام‌است‌.روزی‌ امام‌ کاظم‌(علیه السلام‌‌) اورا دعوت‌ کرد ودستور داد تنور را روشن‌کردند.آنگاه‌ وارد تنور شد.واز همانجا با مردم‌ حرف‌ می‌ زد.سپس‌ بیرون‌آمد وبه‌ عبدالله فرمود:اگر گمان‌ می‌ کنی‌ تو امام‌ هستی‌،وارد تنور شو!امام‌عبدالله با عصبانیت‌ از خانه‌ حضرت‌ خارج‌ شد وامام‌ فرمود:عبدالله ارادان‌ لا یعبدالله!عبدالله می‌ خواهد خدا عبادت‌ نشود.۴-اسحاق‌ شوهرسیده‌ نفیسه‌ که‌ قبر این‌ بانو در مصر به‌ عنوان‌ زیارتگاه‌ است‌.۵-محمدمعروف‌ به‌ محمد دیباج‌ ۶-عباس‌ ۷-علی‌ که‌ مرقدش‌ در قم‌ است‌ وازفقهاء بزرگ‌ می‌ باشد.۸-اسماء ۹-فاطمه‌ ۱۰-ام‌ فروه‌

**اصحاب‌:**
۱-زرارة‌ بن‌ اعین‌ که‌ ابتدا مسیحی‌ بود وسپس‌ مسلمان‌ شد ودر مکتب‌امام‌ صادق(علیه السلام‌‌)از بزرگان‌ فقهاء می‌ باشد.۲-برید عجلی‌ ۳-محمدبن‌مسلم‌ که‌ او هم‌ از بزرگان‌ فقیه‌ است‌.۴-لیث‌ بن‌ بختری‌ ۵-ابابصیر که‌بسیار از امام‌ باقر(علیه السلام‌‌) وامام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) روایت‌ کرده‌ است‌.۶-صفوان‌ بن‌مهران‌ ۷-مؤمن‌ الطاق‌ که‌ دشمنان‌ به‌ او شیطان‌ می‌ گفتند.۸-هشام‌ بن‌حکم‌ که‌ هنوز مو بر صورتش‌ نروئیده‌ بود ولی‌ در مباحثات‌ عقیدتی‌بسیار ماهر بود وامام‌ به‌ او احترام‌ ویژه‌ ای‌ می‌ گذاشت‌.۹-هشام‌ بن‌ سالم‌۱۰-ابوحمزه‌ ثمالی‌ که‌ وقتی‌ شنید امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌) رحلت‌ کرده‌است‌،فریادی‌ کشید وبیهوش‌ شد.۱۱-معاویة‌ بن‌ عمار ۱۲-عبدالله بن‌یعفور ۱۳-ابوجعفر احول‌ ۱۴-جابربن‌ یزید جعفی‌ که‌ هفتادهزار روایت‌در سینه‌ داشت‌.۱۵-مفضل‌ بن‌ عمرو ۱۶-مفضل‌ بن‌ قیس‌ ۱۷-عبداللهبن‌ عجلان‌ ۱۸-ابراهیم‌ بن‌ مهزم‌ ۱۹-ابوبکر حضرمی‌ ۲۰-ابان‌ بن‌ تغلب‌۲۱-حمران‌ بن‌ اعین‌ و..ضمنا ابوحنیفه‌ رئیس‌ حنفی‌ ها وشافعی‌ ومالک‌رؤسای‌ شافعی‌ ها ومالکی‌ ها در نزدآن‌ حضرت‌ درس‌ خواند ه‌ اند.

**شهادت‌ امام‌ جعفرصادق‌(علیه السلام‌‌)**
درایام‌ شهادت‌ حضرت‌،شخصی‌ خدمت‌ امام‌ مشرّف‌ شد ومشاهده‌ کرد که‌ آن‌ حضرت‌ چنان‌ لاغر وضعیف‌ شده‌ است‌ که‌گویا جز سر نازنینش‌،هیچ‌ از آن‌ بزرگوار باقی‌ نمانده‌ است‌!او بادیدن‌ این‌ صحنه‌ به‌ گریه‌ افتاد.امام‌ به‌ او فرمود:چرا گریه‌ می‌کنی‌؟گفت‌:چگونه‌ نگریم‌ درحالیکه‌ شمارا به‌ این‌ حال‌ می‌ بینم‌!
فرمود:چنین‌ مکن‌!همانا هرچه‌ برای‌ مؤمن‌ پیش‌ بیاید،خیراست‌ واگر اعضای‌ او بریده‌ شوند،بازهم‌ برای‌ او خیراست‌!واگر مالک‌ شرق‌ وغرب‌ شود، برای‌ او خیر است‌.
از کنیز امام‌ نقل‌ شده‌ است‌ که‌:درحال‌ احتضار حضرت‌، نزدش ‌بودم‌ که‌ حال‌ اغماء به‌ امام‌ دست‌ داد وبیهوش‌ شد.وقتی‌ بهوش‌آمد، فرمود:به‌ حسن‌ بن‌ علی‌ افطس‌، هفتاد اشرفی‌ بدهید ! به ‌فلان‌ وفلان‌ هم‌ همین‌ مقدار بدهید!
من‌ گفتم‌:می‌ فرمائید به‌ شخصی‌ پول‌ بدهند که‌ با کارد بشماحمله‌ کرد ومی‌ خواست‌ شمارا بکشد؟امام‌ فرمود:می‌ خواهی‌از کسانی‌ نباشم‌ که‌ خدا بخاطر صلة‌ رَحِم‌،آنان‌ را مدح‌ کرده‌ودروصف‌ آنان‌ فرموده‌ است‌:والّذین‌ یَصِلون‌ مااَمرَاللّه‌ُ بِه‌ِاَن‌ْ یُوصَل‌َوَیَخْشون‌َرَبَّهَم‌ وَیَخافُون‌َ سُوءَالحِساب‌«رعد۲۱»یعنی‌:«مؤمنین‌ آنانی‌ هستند که‌ به‌ آنچه‌ خدا امر به‌ صلة‌ آن‌نموده‌ است‌،صله‌ می‌ کنندوبخاطر سختی‌ حساب‌ روز جزاء،از خدا می‌ ترسند.»
سپس‌ فرمود:ای‌ سالمه‌!بدرستیکه‌ خداوند بهشت‌ را خلق‌ کردوآنرا خوشبو گردانید،بطوریکه‌ بوی‌ آن‌ از مسیر دوهزار سال‌ ، بمشام‌ می‌ رسد! ولی‌ عاق‌ والدین‌ وقطع‌ کنندة‌ رحم‌، بوی‌بهشت‌ را احساس‌ نمی‌ کنند!
ابوبصیر می‌ گوید:بعد از شهادت‌ امام‌ جعفرصادق‌(علیه السلام‌‌) ، نزد ام‌ّحمیده‌ رفتم‌.دیدم‌ او می‌ گرید.منهم‌ به‌ گریه‌ افتادم‌.او گفت‌:درهنگام‌ شهادت‌ امام‌ صادق‌(علیه السلام‌‌)امر عجیبی‌ پیش‌ آمد!امام‌چشمهای‌ خودرا گشود وگفت‌: هرکسیکه‌ بین‌ من‌ واو ،خویشی‌وقرابتی‌ است‌،را نزد من‌ جمع‌ کنید! همه‌ جمع‌ شدند.آن‌ جناب ‌نگاهی‌ به‌ آنان‌ انداخت‌ وفرمود : اِن‌َّ شفاعتنا لاتنال‌ مستخفاًبالصلوة‌!یعنی‌:شفاعت‌ ما به‌ کسیکه‌ نماز را سبک‌ بشمارد، نمی‌رسد!«منتهی‌ الامال‌»